

دولت - ایل؛ پیش‌نظریه‌ای برای ایران پیشاپهلوی

(تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۲۰ - تاریخ تصویب: ۹۶/۰۶/۲۶)

ناصر پورحسن^۱

چکیده

ماهیت دولت در ایران، یکی از مشاجره برانگیزترین مسائل در بین پژوهشگران علوم سیاسی بوده است. برخلاف دولت‌های جدیدی که در عصر پسااستعمار به وجود آمده‌اند، دولت در ایران دارای قدمت زیادی است؛ به گونه‌ای که از آن به عنوان نخستین دولت تاریخ یاد می‌شود. پس از پایان جنگ جهانی دوم و طرح مکاتب متعارض توسعه مانند مکتب نوسازی و مارکسیستی، ماهیت دولت در ایران مورد تأمل نظری قرار گرفت؛ بخش عمده این نظریات ناظر بر ماهیت مارکسیستی بویژه تفسیر استالینیستی از صورت بندیهای پنجگانه اقتصادی - اجتماعی تاریخ بشر از دولت در ایران بود. بخش دیگری از نظریات دولت، در نقد و نقض نظریات مذکور بود. ماهیت دولت در ایران مساله اصلی این مقاله است و در پاسخ به سؤال چپستی ماهیت دولت در ایران پیشاپهلوی، این فرضیه صورت‌بندی شده است: با توجه به ریشه های اقلیمی و زیست بوم ایران و غلبه ایلات، می‌توان صورت‌بندی «دولت - ایل» را برای ایران پیشاپهلوی بویژه از سلجوقیان تا پایان قاجار پیشنهاد کرد. دولت - ایل

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره) (Na.pourhassan@abru.ac.ir)

۳۴ فصلنامه دولت پژوهی

که ناشی از ویژگی‌های هویتی، سازمانی و نظامی ساختار ایلی بود، هم بر شکل‌گیری دولت توسط ایلات برتر اطلاق دارد و هم ایلاتی را شامل می‌شود که بدون آنکه حکومت تشکیل داده باشند، به مثابه شبه دولت‌هایی در قلمرو خود حکومت می‌کردند. این فرضیه با رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی و تحلیل ماهیت دولت‌های حاکم از صفویه تا پایان قاجار با روش توصیفی تحلیلی پردازش شده‌است.

کلیدواژه‌ها: دولت-ایل، ایران، قاجار، صفویه، کوچ نشینی

تعاریف مختلفی از سیاست وجود دارد که یکی از معروف‌ترین آنها، علم مطالعه قدرت است. قدرت در سطوح مختلف اعمال می‌شود. با این وصف، «دولت» مهم‌ترین کانون تجلی قدرت است. ماکس وبر در سخنرانی معروف خود ذیل عنوان «سیاست به مثابه حرفه» گفته بود، سیاست به معنی تلاش برای سهیم شدن در قدرت یا تاثیرگذاری بر توزیع قدرت در میان دولتها یا در گروه‌های درون دولتهاست. به نظر وی سیاست به مفهوم رهبری جامعه سیاسی، همان دولت است. (وبر، ۱۳۸۲: ۹۲) یک قرن پس از این جملات و به رغم فناوریهای جدید مرزگشا و مرز افزا، دولتها نه تنها از بین نرفته‌اند، بلکه متحول شده و در سطوح امور روزمره زندگی انسانها رخنه کرده‌اند. به تعبیر یکی از نویسندگان: «زندگی ما در درون چارچوب دولت آغاز و پایان می‌یابد.» (وینسنت، ۱۳۷۱: ۱۷) دولتها نه تنها امروزه، بلکه در طول تاریخ تحت عناوین مختلف، مهم‌ترین نهاد سیاسی در زندگی بشر بوده‌اند. درباره این نهاد سیاسی که انسانها در چارچوب آن، زندگی کرده‌اند، اختلاف نظری نیست اما در باره نحوه شکل‌گیری؛ ماهیت و شیوه‌های آن در بین پژوهشگران اختلافات زیادی وجود دارد. دولت مفهومی جدال‌برانگیز، دالی واحد با مدلول‌های متنوع و متکثر و پدیده‌ای مناقشه برانگیز با مشکلات عدیده‌ای در معنا، مفهوم و کاربرد است. در حالیکه برخی دولت را پدیده‌ای متاخر می‌دانند که سابقه آن به قرن شانزدهم باز می‌گردد (وینسنت، ۱۳۷۱: ۲۷) برخی دیگر با احتساب هستی‌های سیاسی پیشامدرن که نخستین مصادیق زور سازمان یافته در آنها اعمال شده، دولت را نوع خاصی از حکومت می‌دانند. در این تعبیر هر نظم اجتماعی پایداری نیازمند دولت است و زندگی اجتماعی با «حکومت» آغاز

شده که عمری به درازای زندگی اجتماعی دارد. (گل محمدی، ۱۳۹۲: ۱۱۴ و ۱۵۱)

درباره وجوه گوناگون دولت در کشورهای نوتاسیس و پسااستعماری، مشاجره زیادی وجود ندارد. اما درباره تمدنهای کهنی چون ایران که جزو دولت‌های تاریخی محسوب می‌شود، مناقشه نظری، فراوان تر است. در بخش عمده‌ای از قرن بیستم که مکتب مارکسیسم مدعی تبیین واقعی تاریخ بشر بود، بسیاری از پژوهشگران مارکسیست و بویژه استالینیست‌ها، بر تطبیق مراحل پنجگانه تاریخ بر ایران و به تبع ماهیت دولت آن تاکید می‌کردند. در این رابطه برخی مانند احسان طبری نیز با جرح و تعدیل کمر بند محافظ برنامه پژوهشی مارکسیسم، تکوین و تحول دولت در ایران را با همان رویکرد تفسیر می‌کردند. (پورحسن: ۱۳۸۹) در نقطه مقابل، نظریه‌های مختلفی در نقد آن مطرح شد. به علاوه برخی دولت در ایران را ذیل عنوان مفاهیم و نظریه‌هایی چون دولت مطلقه، سلطانیسم، پاتریمونیالیسم، رانتیریزم و وابسته تبیین کرده‌اند. همه این نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و مفاهیم در جای خود نقد شده (افضلی: ۱۳۸۶) و یا قابل تامل و بررسی هستند. این مقاله از زاویه جدیدی به موضوع دولت در ایران نگریسته و فراتر از مفاهیم و یا نظریه‌هایی که بر شیوه حکومت در ایران در یک مقطع خاص متمرکز شده و یا با هدف تطبیق نظریه‌های دولت در غرب بر تاریخ دولت در ایران طرح شده اند، به دنبال طرح پیش نظریه و مفهوم جدیدی برای تبیین دولت در گستره وسیعی‌تری از تاریخ ایران است. مساله مذکور از معبر این سؤال وارد فرایند پژوهش می‌شود: ماهیت دولت در ایران پیشاپهلوی چگونه بود؟ در پاسخ، این فرضیه صورت‌بندی شده‌است: با توجه به ریشه‌های اقلیمی و زیست بوم ایران و غلبه ایلات، می‌توان صورت‌بندی «



دولت- ایل؛ پیش نظریه‌ای برای... ۳۷

دولت- ایل» را برای ایران پیشاپهلوی بویژه از سلجوقیان تا پایان قاجار پیشنهاد کرد. دولت- ایل که ناشی از ویژگی‌های هویتی، سازمانی و نظامی ساختار ایلی بود، هم بر شکل‌گیری دولت توسط ایلات برتر اطلاق دارد و هم ایلاتی را شامل می‌شود که بدون آنکه حکومت تشکیل داده‌باشند، به مثابه شبه دولت‌هایی در قلمرو خود حکومت می‌کردند. این فرضیه با رهیافت جامعه شناسی تاریخی و تحلیل ماهیت دولت‌های حاکم از صفویه تا پایان قاجار با روش توصیفی تحلیلی پردازش شده‌است.

هدف اصلی این مقاله، اهتمام برای بومی‌اندیشی در علوم سیاسی است. ضمن پذیرش بسیاری از اصول و مفاهیم مشترک به عنوان دانش علوم سیاسی جهانی، باید بخشی از دانش این رشته بر ویژگی‌های خاص هر منطقه منطبق باشد. چنین روشی باعث غنای دانش علوم سیاسی جهانی و جلوگیری از تقلیل مسائل جهان با تاریخ بخشی از جامعه جهانی از جمله اروپا خواهد بود. از الزامات علوم سیاسی بومی در ایران، با توجه به قدمت تاریخ دولت، تامل جدی درباره مفهوم دولت است. نویسنده این مقاله ضمن استفاده و ارج نهادن به عقبه و پشتوانه تنوریک ادبیات دولت در ایران، با جسارت مفهوم جدیدی را پیشنهاد کرده و از نقد جدی آن توسط صاحب‌نظران استقبال می‌کند.

مرور پیشینه‌ها

با توجه به اهمیت ایلات در پویش تحولات سیاسی- اجتماعی ایران، در اکثر پژوهشهایی که درباره تحولات سیاسی ایران پیشاپهلوی-تالیف یا ترجمه- نوشته شده، اشاره‌ای به ایلات شده‌است. (اشرف: ۱۳۵۹؛ شعبانی: ۱۳۸۸؛ فوران: ۱۳۷۸؛ شمیم: ۱۳۸۹؛ سریع القلم ۱۳۸۶ و ۱۳۹۱) با توجه به نقش ایلات در

تحولات شرق از جمله ایران، پژوهش‌هایی نیز به زیان انگلیسی انجام شده- است (Sleh: 2013 ؛ Taper: 1983) اگر از پژوهشهایی که صرفاً درباره وجوه اجتماعی ایلات نوشته شده‌اند، بگذریم، در برخی از پژوهشها، توجه بیشتری به وجوه سیاسی ایلات شده‌است. یکی از فرضیه‌های کاتوزیان که در آثار متعدد وی منعکس شده، در این گزاره خلاصه شده است. «ایران سرزمین پهناوری است که جز در یکی دو گوشه آن، دچار کم‌آبی است، یعنی در واقع عامل کمیاب برای تولید، آب است نه زمین. در نتیجه، آبادی‌ها آن (که نامشان نیز از واژه «آب» گرفته شده، اولاً مازاد تولید نداشتند و ثانیاً از یکدیگر دور افتاده بودند. به این ترتیب جامعه‌ای کم‌آب و پراکنده بود و امکان نداشت که براساس مالکیت یک یا چند آبادی، قدرت‌های فئودالی مستقلاً پدید آید. از سوی دیگر یک نیروی نظامی متحرک می‌توانسته مازاد تولید بخش بزرگی از سرزمین را جمع کند و- بر اثر حجم بزرگ مازاد تولید همه این مجموعه- به دولت مرکزی و مقتدری بدل شود. این نیروی نظامی متحرک را ایلات فراهم آورده است. (کاتوزیان، محمد علی، ۱۳۸۰: ۷۷)

در کتاب قومیت و قوم‌گرایی در ایران، بخشی به رابطه ایل و دولت در ایران اختصاص داده است. (احمدی، ۱۳۸۷: ۵۳-۶۷) با این وصف، این بخش، در حاشیه پژوهش وی قرار دارد. در پژوهش دیگری، تعارض ساخت دولت مدرن با ساختار ایلاتی ایران بررسی شده است. (شفیعی، ۱۳۸۷: ۲۷۳-۲۹۷) نتیجه خوانش انتقادی پژوهش‌های موجود در این رابطه نشان می‌دهد که بیشتر بر دولت مدرن در ایران متمرکز شده‌اند یا اینکه شیوه حکومت در ایران را بررسی کرده‌اند و در هیچ پژوهشی نسبت بین ایل (به عنوان متغیر مستقل)

و دولت (متغیر وابسته) بررسی نشده و «دولت- ایل» مفهوم جدیدی است که برای نخستین بار در این مقاله مطرح شده‌است.

الف) از دولت-شهر تا دولت-ملت

بطور کلی سه دیدگاه کلان درباره شکل‌گیری دولت وجود دارد. براساس «دیدگاه مدیریتی»، دولتها محصول نظام سیاسی کارآمد در سرزمین‌های وسیع و از بالا به پایین ایجاد شده‌اند. جوزف استرایر (Joseph Strayer) مهمترین نظریه‌پرداز این دیدگاه، معتقد است ریشه‌های دولت مدرن براساس الگویی است که بین سالهای ۱۱۰۰ تا ۱۶۰۰ در اروپا وجود داشت. به نظر وی توسعه دولت مدرن یک امر ارادی و سیر مداوم است که فرایند آن که به پرورش مجریان حرفه‌ای منجر شده‌است. «دیدگاه نظامی» بر مؤلفه نظامی تاکید دارد. ماکس وبر با طرح کاربرد انحصاری خشونت مشروع برای حل و فصل منازعات در داخل یک قلمرو و بکارگیری آن در عرصه خارجی به عنوان مشخصه دولت، یکی از مکاتب جامعه‌شناسی دولت را بنیان نهاده‌است. نهایتاً «دیدگاه اقتصادی» دولت است که توسط کارل مارکس مطرح شده‌است. (پوچی، ۱۳۸۸؛ ۱۲۷-۱۴۵) پس از آنکه شوروی فروپاشید، نظریه مارکسیستی دولت به رغم اهتمام نظری پسامارکسیستها، به حاشیه رانده شده و دیدگاه مدیریتی نیز که از قبل چندان مطرح نشده بود، همچنان در حاشیه ماند اما تفسیر وبری دولت هژمونی یافته است.

تعریف ماکس وبر از دولت، تقریباً توسط همه پژوهشگران جامعه‌شناسی سیاسی دولت مفروض گرفته می‌شود. «دولت، اجتماعی انسانی است که (پیروزمندانه) مدعی انحصار استفاده مشروع از زور در یک قلمرو معین

است» (ویر، ۱۳۸۲: ۹۲) وی هنگام بحث از سیادت‌های سه‌گانه در کتاب جامعه و اقتصاد نیز در تعریف دولت تصریح می‌کند: «یک تشکل - تحت سیادت - زمانی تشکلی سیاسی به شمار می‌رود که نظامش بطور مداوم در یک قلمرو معین به بکارگیری - یا با تهدید به آن - نیروی فیزیکی اعمال شود، تجمع سیاسی اجباری که دارای سازماندهی مداوم است - اگر - و در حدی که کارگزاران آن در حفظ انحصار استفاده مشروع از نیروی فیزیکی برای اعمال نظام سازمان موفق باشد، دولت نامیده می‌شود. (ویر، ۱۳۸۴: ۹۲-۹۴)

تعریف وبر از دولت، مانند تعاریف وی از سیادت، آرمانی است و در هیچ جایی حتی دولت - ملت‌های مدرنی چون امریکا نیز محقق نشده‌است. به علاوه دولت مدرن تنها یکی از شیوه‌های حکومت در جهان است. در دیدگاه وبری، شکل‌گیری دولت یک مسیر تک خطی را طی کرده‌است. البته وبر مانند مارکس در آثار خود ادعا نکرده که یک نظریه جهانشمول درباره دولت ارائه کرده اما بخش عمده نظریه پردازان بویژه کشورهای در حال توسعه به دنبال جهانشمولی نظریه وبر هستند که براساس آن دولت فرایند زیر را طی کرده است: قرون ۹ تا ۱۲ فتودالی؛ ۱۲ تا ۱۴ گذار از فتودالیسم؛ ۱۴ تا ۱۷ نظام مطلقه؛ ۱۷ تا ۲۱ دولت مدرن. (افضلی، ۱۳۸۶: ۴۳) البته دولت مدرن، شامل شیوه‌های گوناگونی چون مطلقه، محافظه کار، لیبرال، رفاه و نئولیبرال بوده است. در این الگوی تک خطی، دولت مسیر امپراتوری‌های اولیه، شهر - دولت‌ها، امپراتوری روم، فتودالی و جدید (عالم، ۱۳۹۱: ۲۰۹-۲۲۷) را پشت سر گذاشته‌است. به تعبیر دیگر تاکنون دولت سه شکل اصلی داشته است: امپراتوری، دولت شهر و دولت - ملت.

دولت- ایل؛ پیش نظریه‌ای برای... ۴۱

برخی از مؤلفه‌های تفسیر ویری دولت برای تبیین دولت در ایران، مناسب است اما این تفسیر نمی‌تواند بطور کامل برای ایران مناسب باشد. رویکرد وبری مانند رویکرد مارکسیستی نمی‌تواند شکل‌گیری و ماهیت دولت در ایران را تبیین کند. تفسیر مارکسیستی دولت به دنبال به قفس کشیدن داده‌های تاریخی ایران برای تبیین دولت بود، به گونه‌ای که برای اطلاق صورت‌بندی فئودالیسم به بخش عمده‌ای از تاریخ ایران، موضوعاتی چون ایلات را نیز در قالب مفاهیم فئودالی تفسیر می‌کرد. یکی از نویسندگان مارکسیست که حاکمیت مغولها را دوره طلایی فئودالیسم می‌نامند، معتقد است تفاوتی میان فئودالیسم شرقی و غربی وجود ندارد و حکومت ایلی هم بر مبنای مناسبات صورت‌بندی فئودالیسم بود. وی برای اطلاق فئودالیسم بر دوره مغول از اصطلاح «فئودالیسم خانه بدوشی» استفاده می‌کند. (تسف، ۱۳۶۵: ۲۸۷) برخی پژوهشگران ایرانی با ترکیب نظریات مارکسیستی و وبری مانند احمد اشرف با طرح مفهوم «استبداد موروثی آسیایی» کوشیده‌اند ماهیت دولت در ایران را تبیین کنند. همه تلاش‌های تئوریک، تنها بخشی از وجوه دولت در ایران را تبیین کرده‌اند و نتوانسته‌اند مفهوم، پیش‌نظریه و یا نظریه‌ای که با واقعیت‌های تاریخی دولت در ایران سازگار باشد، طرح کنند.

(ب) دولت- ایل؛ مفهومی جدید برای پدیده‌ای کهن

در دوره قاجار برای ایجاد دولت مدرن، تلاش‌هایی از سوی برخی حاکمان مانند عباس میرزا و یا برخی روشنفکران مانند ملکم خان و مستشارالدوله انجام شد، اگرچه این تلاش‌ها به تاسیس برخی از وجوه نهادهای جدید منجر شد اما کلیت ساخت قدرت سیاسی در ایران همچنان پیشامدرن باقی ماند. به رغم

برخی اختلاف نظرها، رضاشاه را باید بنیان‌گذار دولت مدرن در ایران خواند. اگر دولت - ملت یا همان دولت مدرن، پدیده‌ای مدرن است که پس از به قدرت رسیدن رضاشاه در ایران شکل گرفت، پس در حد فاصل امپراتوری و دولت-ملت در ایران، دولت در آن چگونه بوده‌است؟ با توجه به ناسازگاری نظریه تک‌خطی دولت با تاریخ ایران- که مبتنی بر تجربه تاریخی غرب است- فرضیه این مقاله، پیشنهاد صورت‌بندی دولت-ایل است. این پیش‌نظریه به چه دلایلی مطرح شده‌است و آیا قادر به تبیین پدیده دولت در ایران پیشاپهلوی می‌باشد؟ دولت-شهر پدیده‌ای انحصاری است که فقط به یونان باستان اطلاق دارد. از این عنوان برای هیچ کشور دیگری از جمله ایران استفاده نشده‌است. دلیل اطلاق «دولت-شهر» به جامعه یونان باستان این بود که شیوه اصلی زندگی یکجا نشینی و «شهر» و یا به تعبیر یونانیها «پولیس»، مهمترین واحد زندگی در آن مقطع بود. چون هر شهری، یک دولت تشکیل داده بود و ارسطو در بررسی تطبیقی خود قوانین اساسی بیش از ۱۴۰ دولت-شهر را بررسی کرده بود، از اینرو از عنوان دولت-شهر استفاده می‌شد. بر همین مبنا، برای اروپای مدرن نیز دولت-ملت به کار برده می‌شود. اگرچه هیچ کشور اروپایی، یک ملت همگن و یکپارچه نیست، اما در هر کشوری، یک ملت برتری دارد و از اینرو پس از قرارداد وستفالی، از مفهوم دولت-ملت استفاده می‌شود. اصطلاح دولت-ملت برای دولت ایران پس از به قدرت رسیدن رضاشاه به کار برده می‌شود زیرا بر ملت تاریخی آن، یک دولت مدرن استوار گشت. در کنار دو اصطلاح مذکور، عنوان «امپراتوری» نیز در تاریخچه شکلگیری دولتها، مطرح بوده‌است. امپراتوری، هستی سیاسی است که در بخشی از تاریخ ایران باستان رایج بود. با توجه به اینکه این مقاله مقطع تاریخی پساامپراتوری در ایران را در

دولت- ایل؛ پیش نظریه‌ای برای... ۴۳

مرکز پژوهش خود قرار داده، بنابراین به بررسی دوره امپراتوری در ایران نمی- پردازد. هرچند در بررسی سابقه ایلاتی ایران، ادله‌های مستحکمی بر زیرساخت ایلاتی امپراتوری ایران بدست آمده‌است. برای نمونه نفیسی در باره امپراتوری بزرگ ساسانیان معتقد است که آنها اصالتاً «کرد» بوده‌اند. در متون قدیمی ایران به جای واژه ایل که کلمه‌ای مغولی و عشایر که کلمه‌ای عربی است، از واژه «کرد» استفاده می‌شد. کرد در زبان ایرانی قبل از آنکه نام قومیت خاصی باشد، تعبیری عام برای کوچ‌نشینان و کاملاً مرادف همان کلمه نوماد (Nomad) فرانسه است که از ریشه «نوماس» یونانی یعنی چراننده است. (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۵) کرد در زبان‌های ایرانی به معنی چادرنشینی و بیاناگردی است و فردوسی در شاهنامه دقیقاً آن را به همین معنا بکار برده‌است. برخی دیگر از نویسندگان واژه کرد را به منظور توصیف نوعی از معیشت به کار برده‌اند که مهمترین ویژگی آن تاکید بر گله‌داری و جابجایی در پی مراتع است. (امان‌اللهی، ۱۳۸۵: ۳۶) شعبانی منشا دولت ماد ۵۵۰-۷۱۲ ق.م؛ هخامنشی و ساسانی ۳۳۰-۵۵۰ ق.م؛ دولت اشکانی ۲۵۰ ق.م-۲۲۶ م و دولت غزنوی ۳۷۵-۵۸۲ ه. قمری را عشایری و شبانی ذکر کرده است. (شعبانی، ۱۳۸۸: ۸۲)

استدلال نویسنده این است که دولت- ایل مناسب‌ترین مفهوم برای تبیین دولت ایران بویژه از دوره سلجوقیان تا پهلوی است. ادله‌هایی که برای این مفهوم مطرح می‌شود، در ادامه مقاله تحلیل می‌شوند. لازم به ذکر است این مفهوم براساس بافتار تاریخی آن و شرایط ایران پیشاپهلوی مطرح می‌شود و هر نوع قضاوت به عشایر بر وضعیت کنونی موجود اشتباه خواهد بود.

۱. قدمت تاریخی کوچ نشینی^۱ در ایران

در حالیکه برخی پژوهشگران، مانند پاپلی یزدی زندگی کوچ نشینی را پدیده- ای متاخر و وارداتی می‌دانند که پس از یورش مغول، در ایران مرسوم شده- است؛ و کشف آثار باستانی مانند روستاها و آثار فلزی در زاگرس را حاکی از غلبه شیوه زندگی یکجانشینی در ایران می‌دانند، (میزگرد عشایر و هویت ایرانی، ۱۳۸۳: ۲۶۸-۲۶۹) برخی دیگر از پژوهشگران بر تقدم تاریخی شیوه زندگی کوچ نشینی در ایران تاکید دارند. امان اللهی بهاروند که از جمله پژوهشگران شاخص جامعه شناسی ایلات است، برای زندگی کوچ نشینی اصالت تاریخی و جغرافیایی قائل است و معتقد است ایران از هشت هزار سال پیش تاکنون یکی از مناطق عشایرخیز بوده است. به اعتقاد وی از چهار هزار سال پیش کوچ- نشینانی از آسیای میانه به ایران آمدند و این شیوه زندگی پس از حمله ترکان، موفقیت بیشتری یافت. زندگی کوچ نشینی و عشایری در ایران، پدیده‌ای سیاسی نیست که صرفاً برای ایجاد امنیت تاسیس شده‌باشد بلکه پدیده‌ای جغرافیایی و فرهنگی است. (میزگرد عشایر و هویت ایرانی، ۱۳۸۳: ۲۷۷-۲۷۹) به هر حال اگرچه تقدم و تاخر دو شیوه زندگی یکجانشینی و کوچ نشینی مورد اجماع پژوهشگران نیست اما درباره همجواری عشایر با روستا و شهر در ایران توافق وجود دارد. اگر تمدن ایرانی، تمدنی عشایری نباشد، دست کم آمیخته با فرهنگ جماعت‌های عشایری است. (کیاوند، ۱۳۶۰: ۱۲) کوچ نشینی، به آن

۱. منظور از کوچ نشینی در این نوشتار کوچ نشینی های اولیه اجداد بشر و ماقبل تمدن و کشف کشاورزی به تعبیر تافلر موج اول تمدن بشری نیست که آنها را «نوماد» می‌نامند بلکه کوچ نشینی با تولید غذا که مرحله جدیدی در زندگی بشری است، مطمح نظر است.

دولت- ایل؛ پیش نظریه‌ای برای... ۴۵

علت بر شیوه یکجانشینی (شامل شهرنشینی و روستانشینی) غلبه دارد که زیست‌بوم ایران، برخلاف اروپا و یا مناطق بیابانی دنیا، همواره به علت عدم یکسانی آب و هوا، به دو بخش گرمسیری و سردسیری تقسیم شده‌است. به جز مناطق گسترده کویری که یا فاقد سکنه بوده‌اند و یا محدود سکنه آن با اختراعاتی مانند حفر کاریز، با طبیعت همزیستی کرده‌اند، وضعیت جغرافیایی در سایر مناطق ایران در طول فصول مختلف سال به گونه‌ای بوده که کوچ نشینی را به عنوان نوعی جبر جغرافیایی حاکم کرده‌است. کوچ‌نشینان در فصول سرد سال، برای تامین خوراک دام که در حقیقت مایحتاج زندگی آنها بود، مجبور شده‌اند به قسمت‌های گرمسیری کوچ کنند و با آغاز فصل گرما، آنها به مناطق سردسیری باز می‌گشتند و به این صورت کوچ عمودی و افقی و چرخه قشلاق- ییلاق همواره در زندگی چادرنشینی حاکم بوده‌است.

۲. ترکیب جمعیتی ایران پیشاپهلوی

در کنار قدمت کوچ نشینی ترکیب جمعیت ایران در مقایسه با سایر جوامع بویژه اروپایی بسیار متفاوت بود. همواره بخشی از جمعیت ایران را ایلات تشکیل داده‌اند. البته ایل نشینی را نباید در طول تاریخ ایران با کوچ نشینی یکسان تلقی کرد. زیرا زندگی ایلی در سه بخش کوچ رو، نیمه کوچ رو و یکجانشین وجود دارد. درباره آمار ایلات در ایران، ارقام متفاوتی مطرح شده است. در منابع مختلف جمعیت ایلات ایران از یک ششم تا سوم جمعیت ایران برآورد شده است. حتی برخی منابع برآورد کرده بودند که در دوره پیشاپهلوی عشایر ۴۰ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند. (نیک خلق و نوری، ۱۳۷۷: ۱۲۵) البته نسیت جمعیت عشایر با شهری‌ها و روستائیان همواره روند نزولی

داشته است. در حالیکه در دوره صفویه شمار سیاه چادرهای شاهسون را ۶۰۰ هزار نوشته‌اند (کشوری، ۱۳۸۷: ۱۴)، بتدریج بخشی از ایلات ساکن شده‌اند که البته با حفظ فرهنگ ایلاتی، تاثیرگذاری سیاسی آنها حفظ شده است.

۳. نظام اجتماعی - سیاسی ایل

نوع معیشت، نوع زندگی انسان و ساخت نظام اجتماعی و سیاسی آن را تعیین می‌کند. شیوه زندگی کوچ نشینی، الزامات خاصی دارد و این الزامات پیامدهای سیاسی گسترده‌ای بر تاریخ ایران داشته است.

۳-۱- نظام اجتماعی - اقتصادی؛ جامعه عشایری ایران دارای نظام اجتماعی مشخصی است که با ویژگی‌های نظام‌های اجتماعی معرفی شده در تیپولوژی مطرح در آثار موجود منطبق نیست و می‌توان آن را ذیل نوع ناب «نظام ایلی» متمایز نمود. (عبداللهی، ۱۳۶۸: ۱۹) در نظام اجتماعی زندگی عشایری، دام، تامین کننده مهمترین اقلام مورد نیاز عشایر شامل غذا، نوشیدنی، پوشاک، سوخت و حمل و نقل است. (فوران، ۱۳۷۸: ۲۰۸) کوچ دائم و حفاظت از انبوه دامها در مسیر کوچ، باعث می‌شود انسان ایلی، کنشگری متفاوت از انسانهای یکجانشین باشد. این نوع نظام اجتماعی - اقتصادی باعث ایجاد فرهنگ اقتصادی - اجتماعی ویژه ایلی شده که با سایر الگوها متفاوت است.

۳-۲- هویت ایلی، ویژگی دیگر ایلی، داشتن هویت ایلی است. هویت ایلی از سه عنصر قبیله‌ای (Tribal) به مثابه سازمان اجتماعی، کوچ نشینی (nomadism) به عنوان شیوه زیست و دامداری (pastoralism) به عنوان شیوه معیشت (شهبازی، ۱۳۶۹: ۲۳) تشکیل می‌شود. اگرچه ایل گروه اجتماعی منسجم و پایداری نبوده و مبتنی بر سنت و خویشاوندی است اما

دولت- ایل؛ پیش نظریه‌ای برای... ۴۷

مردم ایل نسبت به عضویت خود در طایفه آگاهی و ادارکی روشن دارند. (کیاوند، ۱۳۶۰: ۱۴) با وام‌گرفت از ادبیات مارکسیستی می‌توان گفت ایلیاتی‌ها هم دارای «هویت ایلی در خود» و هم «هویت ایلی برای خود» هستند. آنها در هویت دوم از وضع اجتماعی و جایگاه سیاسی خود آگاهند. (حسینی، ۱۳۸۳: ۸۷) و همین مساله بشدت بر کنشگری سیاسی و حتی دولت‌سازی آنها تاثیر گذاشته‌است. یکی از ملاکهای تعریف عشایر، شناخت کامل فرد از گذشتگان و اقوام و اصل نصب خود است. (میزگرد عشایر و هویت ایرانی، ۱۳۸۳: ۲۷۴) همانگونه که نظامیان با درجه و رسته خود شناخته می‌شوند، ایلیاتی‌ها نیز با هویت ایلی خود شناخته می‌شوند. یک فرد ایلی براحتی تا چندین پشت خود را برمی‌شمارد. این وضعیت حتی در ایران امروز که بسیاری از ساخت‌های ایلی فروپاشیده و دچار آنومی شده، قابل مشاهده است. ایلیاتی‌هایی که ساکن شده‌اند، هویت ایلی خود را همچنان حفظ کرده‌اند. این نکته برای نگارنده که دارای تبار ایلی است، بسیار مشاهده شده‌است. اگرچه بسیاری از پژوهشگران تداوم نظام ایلی را یکی از موانع اساسی به تعویق افتادن شکل‌گیری دولت ملی و هویت ملی در ایران می‌دانند (سریع‌القلم، ۱۳۹۱: ۵۷) اما هویت ملی ریشه در احساس تعلق به طایفه، تیره، قبیله و ایل دارد. در واقع این احساس بسیار قدیمی قومیت و ایلیت را می‌توان از ریشه‌های اصلی ملیت‌گرایی امروزی دانست و به اعتباری می‌توان ایلیت را نوعی ناسیونالیسم ابتدایی تعبیر کرد. (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۳۹)

۳-۳- سازمان؛ ذات زندگی ایلی، فردگرایی را نفی کرده و هویت ایلی در قالب خاصی نهادینه شده است. این ویژگی که می‌توان از آن تحت عنوان «سازمان» یادکرد باعث افزایش قدرت و تداوم کنشگری سیاسی ایلات در

ایران شده‌است. با تسامح می‌توان، سازمان ایلی را همان بوروکراسی مورد نظر و بر تعبیر کرد که نقش مهمی در پیدایش و تداوم دولت‌های مدرن داشته‌است. ویژگی‌های بعدی سازمان ایلی از جمله به کارگیری زور و بطور کلی تداوم حیات ایلی بدون سازمان میسر نیست. بنا به ضرورت زندگی ایلی، از لحاظ تشکیلاتی خودکفا بودند. خوانین یا روسای ایل، خودکامگانی بودند که هسته مرکزی ایل به شمار می‌رفتند، مالیات می‌گرفتند و نیروی نظامی داشتند و برای حکومت مرکزی کار مهم دیگری باقی نمانده بود. (کاتم، ۱۳۷۱: ۹۰) «در ایل نقطه مرکزی استقرار و کانون محوری و عمده قدرت رئیس ایل است که در واقع جایگاه سنتی سرپرست خانواده گسترده و منصب رئیس سنتی و دودمانی همگانی پیدا کرده‌است. کسب جایگاه و مقام او برای عناصر غیرایلی و یا حتی افراد دیگر ایل غیرممکن است و کما بیش از همان سازکارهای نهادینه شده‌ای استفاده می‌کند که در حیات ویس پت‌های کهن آریایی و شاه-های کوچک معمول و مجری بود.» (شعبانی، ۱۳۸۸: ۸۰) اصول زندگی ایلات در درجه اول مبنی بر اطاعت کورکورانه نسبت به ریش سفید و کلانتران ایل است و این اصل در خون و روح افراد ایل چنان رسوخ دارد که کلیه نیروهای روحی و جسمی افراد را در اختیار رئیس ایل قرار می‌دهند. (شمیم، ۱۳۸۹: ۱۶) زندگی ایلی، کوچ مداوم و حفظ امنیت از خود دام، در نظام سلسله مراتبی و پایدار متجلی می‌شود. برای آنکه این ویژگی سیاسی ایلات، ادراک شود، چند نمونه ذکر می‌شود. ساخت قدرت و سلسله مراتب سیاسی - اجتماعی در ایل بختیاری به شرح زیر است.



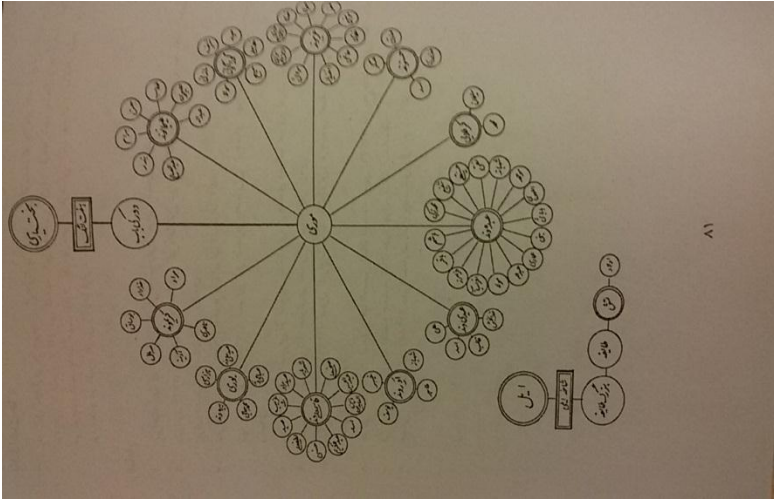
جدول شماره یک) سلسله مراتب سیاسی و اجتماعی در ایل بختیاری

ترتیب رده	ساخت اجتماعی	ساخت قدرت
اولین رده	ایل	ایلخان، خان
دومین رده	طایفه	کلانتر
سومین رده	تیره	کدخدا
چهارمین رده	تش	ریش سفیدان بزرگ
پنجمین رده	اولاد	ریش سفیدان کوچک
ششمین رده	خانوار	رئیس و سرپرست خانوار
رده مرتع	مال	سرمال

منبع: صفی نژاد، ۱۳۸۳: ۷۳

ساختار ایل بختیاری به عنوان یک ایل بسیار فعال اینگونه است: شاخه‌های اصلی هفت لنگ و چهار لنگ. هر شاخه به چند باب و هر باب به چند طایفه، و هر طایفه به چند تیره و هر تیره به چند تن (تش) و هر چند تن به چندین اولاد و اولاد به چندین خانواده تقسیم می‌شود. (نقیب زاده، ۱۳۷۹: ۵۳ و امیر احمدیان، ۱۳۸۳: ۷۲ تا ۸۱) که در شکل زیر نمایش داده شده است.

شکل شماره یک) شبکه ایلی در ایل بختیاری



منبع: امیراحمدیان، ۱۳۸۳: ۸۱

در ایلات لر بویژه ایل پاپی سلسله مراتب ایل شامل: رده (هوز، بووه، تخمه و دودمو)، تیره، طایفه و ایل می‌شود. مدل سازمانی در ایلات لرستان نیز خوشه‌ای است یعنی به تعبیر دیگر هر ایل شامل چند طایفه، هر طایفه شامل چند تیره و هر تیره نیز شامل چند رده است. افرادی که در راس این سلسله مراتب سازمانی قرار دارند، کیخا، کدخدا و خان به ترتیب بر تیره، طایفه و ایل حکومت می‌کنند. (پاپی، ج ۲ / ۱۳۷۸: ۱۱-۱۲)

از دیگر ویژگی‌های سازمانی ایلات موضوع میراث قدرت سیاسی یا جانشینی است. با توجه به اینکه قدرت در ایلات ایران بیشتر جنبه وراثتی داشته‌است، همین موضوع باعث شده که قدرت سیاسی به عنوان میراث از نسلی به نسلی دیگر منتقل شود. اصل جانشینی (بویژه پسر بزرگ) مهمترین عامل ثبات

دولت- ایل؛ پیش نظریه‌ای برای... ۵۱

سیاسی و انتقال قدرت در درون ایلات باشد. این قاعده در سطوح مختلف ایلی حتی تعیین کدخدایان روستاها نیز اعمال می‌شد.

۳-۴- قلمرو؛ یکی از مؤلفه‌های اساسی تشکیل دهنده دولت، «سرزمین» یا «قلمرو» است. این مؤلفه بین هویت‌های سیاسی پیشامدرن و دولت مدرن مشترک است اما در عین حال اختلافاتی دارند. در حالیکه مرزهای دولت ایران در دوره قاجار بتدریج مشخص شد، در دوره پهلوی تثبیت شد. ایلات ایرانی همواره دارای قلمرو بوده‌اند اما این قلمرو نه بوسیله «مرز» بلکه با «سرحدات» از یکدیگر تفکیک می‌شدند. سرحدات برخلاف مرزها بسیار دقیق نبودند بلکه حدودا شامل یک منطقه گسترده می‌شدند. با توجه به اقلیم ایران، ایلات کوچ- نشین بین قشلاق و ییلاق در حرکت بوده‌اند. با این وصف قلمرو آنها در این دو منطقه مشخص بود. حفاظت از این سرحدات، یکی از عوامل اصلی نظام‌گیری ایلات بوده‌است.

۴. انحصار زور و ادعای انحصار آن

یکی از عمده‌ترین و یژگی‌های نظام‌های ایلی، در اختیار داشتن ابزار زور فیزیکی است. اهمیت این مؤلفه به حدی است که جداگانه تحلیل می‌شود. مهمترین ویژگی دولت‌های مدرن، انحصار یا حتی ادعای انحصار زور مشروع در قلمرو معینی است. اگر سیاست را علم دولت بدانیم، دولت بدون زور و قدرت بی‌معناست. زور و قدرت در طول تاریخ متحول شده اما شکل اولیه آن - خشونت فیزیکی - در تکوین و تداوم دولتها بویژه دولت‌های پیشامدرن نقش اساسی داشته‌است. مرور اجمالی تاریخ کهن ایران نشان می‌دهد که

ارتش به معنای مدرن آن پدیده‌ای جدید است. به رغم تلاشهای عباس میرزا و امیرکبیر، این رضاشاه بود که ارتش نوین ایران را ایجاد کرد. در دوره پیشا-پهلوی، که در ایران هیچ طبقه‌ای بر طبقات دیگر مسلط نبود، عنصر و ابزار زور مزیت نسبی ایلات بوده است. آنها با توسل به زور فیزیکی با غلبه بر سایر رقبای ایلی، دولت تشکیل می‌دادند. کوچ نشینان اگرچه تعداد آنها کم بوده اما مؤلفه‌های سازمان و زور باعث شده بر روستانشینان و شهرنشینان بی زور و سازمان غلبه کنند.

قدرت سیاسی ایل هم از جبر جغرافیایی آن نشات می‌گرفت زیرا مبارزه دائمی با مخاطرات طبیعی (سرما، برف، شدايد محیطی) و انسانی (مهاجمان) ایلیاتی‌ها را ستیزه‌جو و جنگجو پرورش می‌داد به گونه‌ای که «در هر جا جمعیت عشایری وجود داشته‌است، بطور بالقوه و بالفعل قوای فعالی هم هست که مستعد و منتهز حرکت‌های نظامی و سیاسی سریع است.» (شعبانی: ۱۳۸۸: ۷۷) و هم ناشی از توان نظامی آن بود و آن نیز به نوبه خود از وحدت فرماندهی و نظام تابعیت محض سرچشمه می‌گرفت. در حیات عشایری چون و چرا در تصمیم‌های رئیس ایل جای مهمی نداشته و انضباط شرط اساسی بقا بوده و مرتب در همه اجزای حیات روزمره کوه‌نشینان تجربه و تمرین می‌شد. (شعبانی، ۱۳۸۸: ۸۱) سپاهیگری درون عشایر کوچ رو از شالوده‌های اساسی تولید عشایری نشات می‌گیرد. در حالیکه شیوه تولید روستایی مستلزم کار مردان در مزارع و خدمات جنبی دیگر است که مانع از آزاد شدن نیروی کار اضافی برای خدمات جنگی می‌شود (اشرف، ۱۳۵۹: ۳۷) و برج و بارو در شیوه زندگی یکجانشینی ضرورت بسیج همگانی برای دفاع را غیرضروری می‌سازد، ایل مجبور است برای تامین امنیت خود، همیشه آماده جنگ باشد و به

دولت- ایل؛ پیش نظریه‌ای برای... ۵۳

این دلیل «ایلات دارای میلیشیای سنتی بودند.» (کیاوند، ۱۳۶۰: ۳۹) توانایی افراد در تهیه و تجهیز سربازان دلیر و جنگجو و همینطور وسعت و سطح جنگاوری و سرکوب و سلطه موفقیت سیاسی افراد را در سرزمین بزرگ ایران به ارمغان می‌آورد (سریع‌القلم، ۱۳۹۱: ۷۰) در تمام حکومت‌های ایران، به دلیل نبود ارتش ملی و نیز تهاجم همیشگی به سرزمین ایران، قشون ایلی عشایری، پرجمعیت‌ترین قشون به شمار می‌رفت. مثلاً طی سرشماری که از ایلات ایران به عمل آمده بود، در باره ارتش شاه سلطان حسین، سپاه ایلیاتی که در موقع جنگ احضار می‌شد، ۱۱۰ هزار نفر بود که ۵۷ هزار نفر آن، سواره نظام و ۵۳ هزار بقیه پیاده نظام بودند. در دوره فتحعلیشاه نیز ۳۶ هزار نفر از نظامیان را ایلیاتی‌ها تشکیل می‌دادند. (نیک خلق، ۱۳۸۱: ۷۴) در دوره قاجار، جنگاوری و نظامیگری در انحصار ایلات و عشایر باقی ماند و مهارت ایلاتی‌ها در اسب‌سواری و تیراندازی و سازمان مناسب قبیله‌ای و روح همبستگی ایلی از عواملی بودند که ایل بزرگ به رهبری یک ایلیخان پرتحرک و فعال به صورت یک واحد نظامی قوی درآورده بود. قزاقها در دهه ۱۸۸۰ / ۱۲۶۰ ه.ش از شاهسونها، کردها و سایر ایلات تشکیل شده بود. (فوران، ۱۳۷۸: ۲۰۸-۲۰۹)

۵. ایلات و دولت سازی

با فراهم شدن مقدمات بحث، اینک می‌توان گام اساسی را در تایید یا رد فرضیه مقاله برداشت. نظام ایلی در ایران با توجه به ویژگیهای سیاسی- اجتماعی بویژه در اختیار داشتن عنصر زور سازمان و هویت همبسته بیش از هر گروه سیاسی دیگری بویژه از دوره سلجوقیان تا پهلوی در تشکیل و تغییر دولت‌ها در ایران نقش داشته‌است. در سرزمینی که اکثر مردم از لحاظ سیاسی،

توانایی بیان خواسته‌های خود را ندارند، سیاست داخلی می‌تواند توسط تعداد انگشت‌شماری تعیین شود. اگر درصد کوچکی از ایلات تصمیم می‌گرفتند که هماهنگ عمل کنند، به احتمال زیاد می‌توانستند آنرا به صحنه عمل آورند. کاتم، (۱۳۸۱: ۸۹) قدرت گرفتن یک قبیله از نظر نظامی و یا اتحاد با دیگر قبایل بالقوه می‌توانست ساخت سیاسی کشور را متحول کرده و موجب تغییر سلسله پادشاهی شود. (دلیرپور، ۱۱۹: ۱۳۸۶)، و این واقعیتی بود که به کرات رخ می‌داد. تقریباً تمام سلسله‌های ایرانی از میانه قرن یازدهم تا اوایل قرن بیستم یا از تبار ایلات کوچ نشین بودند یا مانند صفویه با کمک نظامی ایلات کوچ نشین به قدرت رسیدند. (کدی، ۱۳۸۱: ۲۴) «شناخت حوزه سیاست، دولت و فرهنگ مرتبط با آن، چه در تاریخ قبل از اسلام و چه بعد از اسلام، در واقع به قدرت رسیدن ایلات ماست. به قدرت رسیدن یک ایل به معنی حذف ایل دیگری بود که دوره رشد، پختگی و انحطاط را پشت سر گذاشته بود، هر ایلی که به قدرت می‌رسید، ایلات دیگر را با زور و ارعاب زیر سیطره خود در می‌آورد و اتحاد سرزمین را با مبانی فکری و رفتار ایل خود بنا می‌نهاد.» (سریع القلم، ۱۳۸۶: ۵۵) تمام حکومت‌هایی که در دوره بعد از اسلام تا پهلوی در ایران به قدرت رسیده‌اند، بنیانی ایلی داشته‌اند و گزافه نیست که اگر گفته شود منازعات ایلی در تاریخ ایران جای منازعات طبقاتی را در اروپا می‌گیرد. (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۹) علی اصغر شمیم نیم قرن پیش نوشته بود: همکاری یا ستیز ایلات تاریخ سیصد ساله اخیر ایران را تشکیل می‌دهد (شمیم، ۱۳۸۹: ۱۷) این ستیز بر مبنای مؤلفه‌های قدرت افزای نظام ایلی محقق می‌شد. در حقیقت آنچه از آن به عنوان فره ایزدی شاهان از آن یاد می‌شود، امری پسینی است. برخوردار از فره ایزدی یک آزمون داشت و آن پیروزی بود و برخوردار از

دولت- ایل؛ پیش نظریه‌ای برای... ۵۵

فره ایزدی بعد از وقوع واقعه تأیید می‌شد. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۷) این وقوع نیز با زور میسر بود. اگرچه در تاریخ طولانی نظام سلطنتی مطلقه ایران بویژه در دوره قاجار، همه شاهان خود را با انتساب به ظل الله توجیه می‌کردند اما همانگونه که فتحعلیشاه به سرجان ملکم گفته بود: حق در ایران همیشه به شمشیر تعلق داشته و خواهد داشت» (شاکری، ۱۳۸۴: ۵۷)

بطور کلی رابطه بین ایلات و دولت در ایران پسامپراتوری و پیشاپهلوی به سه گونه متصور بود که همه موارد نیز به نوعی مؤید مفهوم دولت- ایل است.

۱. ایلات به مثابه بنیانگذار دولت: بخش عمده دولت های تاریخ ایران بویژه از قرن دهم میلادی تا تشکیل پهلوی اول توسط سران ایلات یا اعقاب آنها بنیان نهاده شده اند. دولت سلجوقی؛ ۴۲۹-۷۰۰؛ خوارزمشاهی ۴۷۰-۶۲۸؛ دولت ایلخانی ۶۵۴-۷۳۶؛ دولت قراقویونلو ۸۷۴-۷۸۰ ه.ق؛ دولت آق قویونلو ۹۰۷-۷۸۰؛ صفوی ۹۰۷-۱۱۴۸؛ افشاری ۱۱۴۸-۱۱۶۰؛ زندی ۱۱۶۳-۱۲۰۹ و قاجار ۱۲۱۰-۱۳۴۴ ه.ق. (شعبانی، ۱۳۸۸: ۸۲) مهمترین سلسله ها و دولت هایی هستند که به این صورت ایجاد شدند. با تضعیف ایل حاکم، رقبای ایلی مترصد غصب قدرت بودند و جابجایی قدرت تنها در بین ایلات بود زیرا همه ویژگی‌ها به قدرت رسیدن را داشتند. هر ایلی که قدرتش بیشتر بود، ایلخان آن، شاه ایران می‌شد در کنار سلسله‌های ایلی مشهور، دولت- ایل های کوچکی در برخی مناطق ایران تشکیل شده است. برای نمونه می‌توان به سلسله حسنویه اشاره کرد که در سال ۳۴۸ ه.ق درتوسط حسین کردبرزیکانی در منطقه ای شامل نهاوند، شاپور و بروگرد (بروجرد)، اسدآباد و با مرکزیت حلوان نزدیک کرمانشاه (دینور) ایجاد شد. (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۶)

۲. ایلات به عنوان مخلوق دولت‌ها: در مقاطعی از تاریخ ایران، دولت‌های حاکم برای جلوگیری از سقوط خود توسط ایلات رقیب، با ائتلافی از ایلات ایران، و ایجاد کنفدراسیون (بزرگ ایل) می‌کوشیدند میان ایلات کشور موازنه ایجاد کنند. در این زمینه دو نمونه چشمگیر تاریخی وجود دارد. در دوره صفویه، شاه عباس با ایل شاهسون را ایجاد کرد و در دوره قاجار نیز بزرگ ایل خمسه در جنوب ایران توسط دولت ایجاد شد. (احمدی، ۶۶-۶۸) ایل خمسه فارس برای مقابله با بختیاری‌ها اتحادیه‌ای از چند ایل عرب، ترک و فارس بود. (کشوری، ۱۳۸۷: ۱۴)

صفویه که بر مبنای مذهب شیعه استوار گشت، در حقیقت، مذهب عنصری بود که بعد از تاسیس برجسته شد زیرا این دولت در اثر ائتلافی از چندین ایل ایجاد شد. قزلباش‌ها شامل چندین قبیله نظیر روملو، افشار، استاجلو، قاجار، و تکلو می‌شدند که صفویه را به قدرت رساندند. صفویه به رغم تأکید بر مذهب هیچگاه به حذف عنصر ایل نیاندیشید. ایلات و عشایر از این پس به گونه‌ای پایدار همراه با تشکیلات نسبتاً منسجم و مناطق کم و بیش مشخص در حیات سیاسی و اجتماعی ایران جایگاه و نقش خاصی پیدا کردند. ایلات مقیم ایران در همین دوره حکومت متمرکز صفوی بود که دست به کار تشکیلات ایلات بزرگ با کنفدراسیون‌های ایلی نظیر بختیاری‌ها یا قشقایی‌ها با جمعیت‌های بیش از یکصد هزار نفر زدند. این تشکل‌ها در جامعه‌ای که هیچگونه شکل اجتماعی دیگری نظیر طبقات اجتماعی یا شکل‌های صنفی و غیره وجود نداشت، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کردند. حکومت‌های مرکز یا رجال سیاسی با قدرت ایلات نیز خود اقدامی در جهت تقویت زندگی و ایلمداری در ایران بود. شاه عباس اول برای تضعیف قدرت قزلباش‌ها دست به ایجاد

دولت- ایل؛ پیش نظریه‌ای برای... ۵۷

کنفدراسیونی از ایلات متفرق مقیم آذربایجان زد و نام «شاهسون»^۱ یا دوستداران شاه بر آنها نهاد. در واقع نیاز حکومت مرکزی به نیروی نظامی ایلات علت اصلی چنین اقدامی است. در حالیکه دولت‌های مطلقه اروپایی اولین گامی که در جهت استقلال خود از نیروهای اجتماعی برداشتند، تشکیل یک ارتش شاهنشاهی بود. (نقیب زاده، ۱۳۷۹: ۳۵-۳۶) سیاست دولت‌های ایلی در جابجایی گسترده ایلات رقیب و پراکنده کردن آنها، وجه دیگری از رابطه بین ایلات و دولت در ایران پیشا پهلوی است. در این زمینه می‌توان به کوچ اجباری بخشی از کردهای غرب کشور به قوچان، کلاردشت، فومن، قزوین و حتی سیستان و بلوچستان اشاره کرد. این سیاست هم با هدف کاهش تهدیدات ایلات رقیب انجام می‌شد و هم توزیع هوشمندانه آنها برای دفاع از سرحدات در غیاب ارتش بود.

۳. تعامل بین ایلات و دولت؛ رقابت جویی ایلات به جابجایی سریع قدرت منجر نمی‌شد. تداوم دو قرنی سلسله صفویه و ۱۴۰ ساله قاجار که ناشی از عوامل مختلفی بود، باعث تعامل بین دولت و ایلات می‌شد. در این رابطه قبل از تشکیل دولت مدرن، رابطه بین ایلات و دولت مرکزی بر مبنای یک الگوی شناسایی متقابل بود. رؤسای ایلات نسبت به دولت مرکزی ابراز وفاداری کرده و از آن تبعیت می‌کردند. در بسیاری موارد به جمع‌آوری مالیات می‌پرداختند و نیروی انتظامی شاه را تامین می‌کردند دولت نیز به نوبه خود ایلات را به

^۱- این ایل پس از انقلاب اسلامی، نام خود را به ایلسون یعنی دوستداران ایل تغییر داد.

عنوان نمایندگان دولت در مناطق آنها به رسمیت می‌شناخت. (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۶۷)

تعامل مذکور وجه دیگری از دولت-ملت را در ایران نمایان می‌سازد. با توجه به اینکه دامنه قدرت دولت مرکزی همواره محدود بود، ایلات در سرحدات خاصی، عملاً مانند شبه دولت‌هایی، حکومت می‌کردند. چون تمرکز پژوهش تاکنون بر ایلات بزرگ بوده است، این وجه نادیده گرفته شده است. به تعبیری می‌توان در قلمرو یک بزرگ ایل، چندین شبه دولت متصور شد. آنها همه ساختارهای ایلی را داشته‌اند اما از نظر کمیت به تنهایی نتوانسته‌اند به قدرت فائفه تبدیل شوند. این وجه از دولت-ملت در ایران که نگارنده با برخی نشانگان آن - البته در دهه‌های اخیر - آشنایی دارد، نیازمند پژوهش‌های میدانی است. در این زمینه می‌توان شبه-ایل دولت کلهر را بررسی کرد که طی چندین قرن و تا دوره اصلاحات ارضی عملاً در بخش‌هایی از استان کرمانشاه حکومت می‌کرد. بطور خلاصه می‌توان رابطه بین دولت و ایلات در ایران پیشاپهلوی را با این جمله جمع‌بندی کرد: «تقریبی می‌توان ادعا کرد که بیش از دو سوم حکومت‌های مستقر شده در ایران و نزدیک هشتاد درصد طول ادوار حکمرانی کشور در اختیار جماعات ایلاتی قرار داشته‌است. (شعبانی، ۱۳۸۸: ۸۲) و این یعنی غلبه صورت بندی ایل-دولت در تاریخ ایران.

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله طرح پیش‌نظریه یا مفهوم جدیدی برای تبیین دولت در ایران پیشاپهلوی بود. پردازش فرضیه که موادخام آن از طیف گسترده‌ای از آثار

دولت- ایل؛ پیش نظریه‌ای برای... ۵۹

مهمترین پژوهشگران در باره ایلات ایران گردآوری شده ، ادعای نویسنده را تایید می کند. دولت- ایل پیش نظریه و مفهومی است که بیش از هر مفهوم دیگری بر واقعیات تاریخی دولت در ایران پساامپراتوری و پیشاپهلوی سازگار است. نظریه هایی که برپایه تجربه تاریخی و کنشگران غرب مطرح شده و با اصرار برخی از پژوهشگران غربی و شرقی برای تبیین دولت در ایران، تلاش می شود جهان شمول شوند، با دولت در ایران سازگاری ندارد. تقلیل تاریخ ایران به دولت - ملت و دولت مدرن، به معنی حذف بخش عمده تاریخ ایران است. در حقیقت، دولت مدرن در ایران گسستی تاریخی با گذشته آن به شمار می رود. هویت های سیاسی پیشا دولت مدرن در ایران که سابقه بسیار زیادی دارد، به شدت تحت تاثیر نظام ایلی بوده است. نظام ایلی در کنار جامعه روستایی و شهری یکی از گسترده ترین و ژرف ترین ساختارهای اجتماعی ایران را تشکیل می دهد که تا دوره پهلوی نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای که مهمترین آنها شکل دولت هاست، در پویش تحولات سیاسی ایران ایفا کرده- است. قدرت سیاسی ایلات به عنوان بازیگر انحصاری تاریخ ایران، از دیرباز به گونه ای در صحنه سیاسی ایران جلوه گری کرده و وارد میدان عمل شده است که نه تنها اکثریت دولت های ایران را تشکیل داده اند، بلکه طولانی ترین عمر دولت ها نیز به آنها اختصاص یافته است. در حقیقت نظریه دولت در ایران باید منطبق با واقعیات های تاریخی باشد و کاربست نظریه های غربی دولت برای تاریخ ایران نوعی تقلیل گرایی و حذف بخش عمده تاریخ ایران خواهد بود. دولت- ایل همه ویژگی های دولت را داشته است و حدود ۸۰ درصد تاریخ ایران را شامل می شود.

اگرچه طرح یک پیش‌نظریه در قالب یک مقاله، درباره مساله مشاجره برانگیز دولت، شاید بسیار سخت باشد، اما نویسنده امیدوار است با دریافت دیدگاهها و نظرات پژوهشگران در باره این مفهوم، در گام بعد، وجوه و ادله‌های دیگری برای توسع این پیش‌نظریه را تبیین نماید. و مواردی چون قدرت، الگوی اقتصادی، الگوی فرهنگی سیاسی، موضوع میراث قدرت سیاسی یا جانشینی، رابطه درون ایلی و برون ایلی، جغرافیای تحرکات ایلی یا همان محدوده، قلمرو و در نهایت سرزمین ایل را با تامل بیشتری در این پیش‌نظریه، تبیین کند. یکی از محورهایی که در آینده درباره آن تامل جدی تری خواهد شد، بررسی های موردی و حتی میدانی در باره کارکردهای ایلات غیرحاکم در پویش تحولات سیاسی ایران است. اگرچه کنشگری ایلات بیشتر معطوف به دوره ماقبل دولت مدرن در ایران است اما پژوهش‌های میدانی از یکسو برخی از وجوه مکتوم حیات ایلی را از زبان کنشگران سیاسی ایلات که هنوز برخی از آنها زنده هستند، روشن می‌کند و از سوی دیگر پیش‌نظریه دولت-ایل را تکمیل می‌نماید تا به عنوان یه پیش‌نظریه بومی برای تحلیل دولت در ایران تبدیل شود.

منابع

الف) فارسی

- احمدی، حمید (۱۳۷۸)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت، تهران نشر نی.
- اشرف، احمد (۱۳۸۳)، بحران هویت ملی و قومی در ایران، در حمید احمدی (به کوشش)، ایران، هویت، ملیت و قومیت، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجار، تهران، زمینه
- افضلی، رسول (۱۳۸۶)، دولت مدرن در ایران، قم، دانشگاه مفید.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۵)، قوم‌گرایی، پژوهشی در باره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیای لرها در ایران، تهران، آگه، چاپ سوم.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۳)، «ساختار سنتی ادراک و مدیریتی ایل بختیاری و کارکردهای آن»، فصلنامه مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۳.
- پاپی، مرادحسین (۱۳۷۸)، شناخت ایل پاپی، جلد دوم، قم، عصمت.
- پوچی، جیان فرانکو (۱۳۸۸)، نظریه‌های تشکیل دولت، در کیت نش و آن اسکات، راهنمای جامعه شناسی سیاسی، جلد اول، ترجمه محمدعلی قاسمی و قدیر نصری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورحسن، ناصر (۱۳۸۹)، چیرستی تغییرات سیاسی از نگاه مارکسیسم روسی به روایت مارکسیست‌های ایرانی، نمونه پژوهی، احسان طبری رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- تسلف، ولادیمیر (۱۳۶۵)، نظام اجتماعی مغول (فتودالیسم خانه بدوشی)، ترجمه شیرین بیانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- حسینی، سیدقاسم (۱۳۸۳)، «نسبت هویت ایلی و هویت قومی در ایلات و عشایر ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۳، صص ۸۳-۱۰۲.
- دلیرپور، پرویز (۱۳۸۶)، ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری ساخت دولت مدرن در ایران از آغاز تا رضاشاه، در: رسول افضلی، دولت مدرن در ایران، قم، دانشگاه مفید.

۶۲ فصلنامه دولت پژوهی

سریع القلم، محمود (۱۳۸۶)، فرهنگ سیاسی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

سریع القلم، محمود (۱۳۹۱)، *اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار*، تهران، فرزانه روز، چاپ سوم.

شاکری، خسرو (۱۳۸۴)، *پیشینه های اقتصادی- اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دمکراسی*، تهران، اختران.

شعبانی، رضا (۱۳۸۸)، *مبانی تاریخ اجتماعی ایران*، تهران، قومس، چ دهم
شفیعی، حسین (۱۳۸۷)، *تعرض ساختاری دولت مدرن با نظام ایلی ایران*، در: مسعود کوثری (ویراستار) *انقلاب اسلامی، جامعه و دولت*، تهران، کویر.

شمیم، علی اصغر (۱۳۸۹)، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران، بهزاد، چ ۲.
شهبازی، عبدالله (۱۳۶۹)، *مقدمه ای بر شناخت ایلات و عشایر*، تهران، نشرنی.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۱)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران، نشرنی، چ ۲۱.
عبداللهی، محمد (۱۳۸۶)، «اسکان عشایر و توسعه حیات اجتماعی آنان»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۲، صص ۱۹-۵۴.

فلور، ویلم (۱۳۶۵)، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی اسران در عصر قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ج ۲

فوران، جان (۱۳۷۸)، *مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی)*، ترجمه، احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.

کاتم، ریچارد (۱۳۷۱)، *ناسیونالیسم در ایران*، ترجمه فرشته سرلک، تهران، گفتار.
کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۰)، *تضاد دولت و ملت؛ نظریه تاریخ و سیاست در ایران*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشرنی.

کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۰)، *ایران، جامعه کوتاه مدت و سه مقاله دیگر*، ترجمه عبدالله کوثری، تهران، نشرنی.

کدی، نیکی.آر (۱۳۸۱)، *ایران دوره قاجار و برآمدن رضاشاه*، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران، ققنوس.

کشوری، احمد (۱۳۸۷) *گذری بر جامعه عشایری ایران*، قم، انتظار سبز

دولت- ایل؛ پیش نظریه‌ای برای... ۶۳

- کیاوند، عزیز (۱۳۶۰)، حکومت، سیاست، عشایر، تهران، انتشارات عشایری.
- گل محمدی، احمد (۱۳۹۲)، چیستی، تحول و چشم‌انداز دولت، تهران، نشرنی.
- میزگرد عشایر و هویتی ایرانی (۱۳۸۳)، مطالعات ملی، شماره ۱۹، صص ۲۰۴-۲۴۶.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۳)، تاریخ اجتماعی و سیاسی در دوره معاصر، تهران، اهورا
- نقیب زاده، احمد (۱۳۷۹)، دولت رضاشاه و نظام ایلی (تاثیر ساختار دولت مطلقه رضاشاه بر نفوذ قبایل و عشایری، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.ن: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نیک خلق، علی اکبر و عسگری نوری (۱۳۷۷)، زمینه جامعه شناسی عشایر/ایران، تهران، چاپخش.
- ویر، ماکس (۱۳۸۲)، دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران، هرمس.
- ویر، ماکس (۱۳۸۴)، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی و مصطفی عمادزاده، تهران، سمت
- وینست، اندرو (۱۳۷۱)، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی.

ب) انگلیسی

Saleh, Alam (2013), *Ethnic Identity and the State in Iran*, Palgrave Macmillan.

Tapper, Richard (ed.) (1983), *The Conflict of Tribe and State in Iran and Afghanistan*. London: Croom Helm.